

## اشاره

در فرهنگ ایران باستان تا پیش از تأسیس دولت‌های ماد و هخامنشی، مفاهیم حقوقی به شکل ساده و ابتدایی با باورهای مذهبی پیوند بسیار نزدیک داشت، اما بعدها نظام قضایی و دادرسی، با پشتوانه حکومت‌های متمرکز، به صورت موضوعی عرفی ظهور کرد و با توجه به نیاز، در طول اعصار، تحول چشمگیری یافت. با عنایت به اینکه پیشرفت فرهنگی و اجتماعی ایران باستان مرهون نهادینه شدن نظام قضایی بود، پادشاهان سلسله ساسانی در فرایند کشورداری حکومتی را پایه‌ریزی کردند که از لحاظ ساختار اداری و قضایی پیچیده‌تر و دقیق‌تر از دولت‌های قبل بود؛ به طوری که **اردشیر بابکان**، بنیان‌گذار این سلسله، در تشکیلات اداری و قضایی تحول مهمی ایجاد کرد و با پیوند دین و حکومت، در ایران وحدت ملی به وجود آورد (ماسه، ۱۳۴۶: ۱۹۱). در این دوره هر طبقه علاوه بر قوانین عمومی، مقررات قضایی خاص خود را داشت که فقط در مورد اعضای همان طبقه اجرا می‌شد. بنابراین، روزگار حاکمیت سلسله ساسانیان، از ادوار مهم قضاوت و اجرای اصول دادرسی در ایران باستان به شمار می‌رود. در این نوشتار مؤلفه‌های حقوقی، تشکیلات قضایی، دادگاه‌ها و انواع مجازات‌های آن دوره را بیان خواهیم کرد.

## کلیدواژه‌ها: ساسانیان، قضا، مجازات

اسماعیل نساجی زواره  
دبیر دبیرستان‌های منطقه زواره (استان اصفهان)

# نظام قضایی و ساختار تشکیلاتی آن در عصر ساسانیان



## منابع حقوقی

مبانی حقوقی و اصول قضایی عصر ساسانیان از کتاب اوستا، تفسیرهای آن و مجموعه فتوای علمای زرتشتی گرفته شده بود. چون در این دوره روحانیون قدرتی بلامنزاعه محسوب می‌شدند و در طبقه اول جامعه قرار داشتند، قوانین حقوقی با آموزه‌های دین زرتشت به شدت عجین شده بود و معیارهای اساسی حقوقی و اخلاقی، اصول سه‌گانه پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک بود.

بخشی از اوستا درباره مجرمان، متهمان و قوانین جزایی تنظیم شده بود که جرائم دزدی، آدم‌کشی، راهزنی، توقیف‌های غیرقانونی و کم کردن اجرت کارگران را شامل می‌شد. رسیدگی به این جرائم در محکمه‌ای صورت می‌گرفت که عده‌ای از موبدان و روحانیون قضایی حضور داشتند. این هیئت می‌کوشید طبق اصول مذهبی دین زرتشت، تا حد امکان عدالت را مراعات کند و آرایش نیز طبق موازین شرعی کتاب اوستا باشد؛ زیرا در آیین زرتشت انسان باید پرهیزکار باشد و تقوای او در اطاعت از دستورات دینی و ایمان به اهورامزدا خلاصه می‌شود. (سرفراز، ۱۳۸۷: ۲۷۶).

علاوه بر کتاب اوستا، یکی دیگر از منابع بسیار مهم حقوق مدنی در این دوره، مجموعه قوانین «ماتیکان هزارستان» بود. این کتاب به خط پهلوی ساسانی نوشته شده و شامل ۷۵ ورق بود که یکی از روحانیون آگاه به امور قضایی، با استناد به متن اوستا و تفسیر آن، آن را جمع‌آوری و تنظیم کرده بود. این مجموعه گزارش، هزار فتوای قضایی بود که اهم آن مسائل رسیدگی به اختلافات ملکی، خانوادگی، ارث، معاملات، ازدواج، طلاق و ضمانت را در بر می‌گرفت (قدیانی، ۱۳۸۱: ۷۳۷). مجموعه حقوقی دیگری به نام «کتاب دستوران» نیز وجود داشت که متن سریانی

آن در دسترس است. این کتاب نظرات مشاوران قضایی برای حل مسائل معضل و مشکوک قضایی را شامل می‌شد. (سرفراز، ۱۳۸۷: ۲۷۶).

## تشکیلات قضایی

در این دوران ساختار و تشکیلات قضایی هم پیشرفت چشمگیری داشت و به اوج شکوفایی رسید. عوامل این ساختار عبارت بودند از:

۱. **شاه:** در دوره ساسانی، همانند دوره هخامنشی، شاه در رأس همه قاضیان کشور قرار داشت (گیرشمن، ۱۳۳۸: ۳۷۴)؛ به طوری که قوه قضاییه به شخص شاه اختصاص داشت و این فقط یک امر فرضی نبود (کریستن سن، ۱۳۷۸: ۲۱۷).

شاهان نسبت به قضات سخت‌گیر و با رشوه‌گیری مخالف بودند. با اینکه حدود قدرت و اختیارات پادشاه در امر دادگستری زیاد بود، او کمتر به امور قضایی می‌پرداخت و این کار را به مشاوران قضایی مجرب واگذار می‌کرد.

در این دوره در انتصاب قاضی و امر قضاوت نهایت دقت و توجه صورت می‌گرفت، ولی روش دیگری هم برای داوری وجود داشت و آن دادخواهی مستقیم نزد شاه در مراسم بارعام بود. هر پادشاه ساسانی سالی دو بار در ایام نوروز و مهرگان به مدت یک هفته ورود تمام مردم را به قصر خود آزاد می‌گذاشت تا شاکیان خود را آماده کنند. در ابتدا پادشاه به **موبدان موبد** (رئیس روحانیون) دستور می‌داد افرادی امین و مطمئن در مدخل قصر قرار دهند تا کسی از ورود متظلمان ممانعت نکند. سپس به شکایاتی که طرف آن شخص پادشاه بود، رسیدگی می‌شد. شاه **موبدان موبد** و **هیربدان هیربد** (نگهبان کل آتشکده‌ها) را احضار می‌کرد و از تخت پایین می‌آمد و تاج را از سر برمی‌داشت و روی تخت خالی می‌گذاشت. آن‌گاه دو

زانو نزد موبدان موبد می‌نشست و می‌گفت: «هیچ گناهی نزد خدا بزرگ‌تر از گناه پادشاه نیست؛ زیرا اگر پادشاهی راه بیداد را در پیش گیرد، زیردستان او خود را در خراب کردن آتشکده‌ها، شکافتن دخمه‌ها و... مجاز خواهند دانست.» سپس این عبارت را به موبدان موبد می‌گفت: «اگر از شاه جانب‌داری کنی، خداوند تو را کیفر دهد.» با تمام شدن کلام شاه به شکایت رسیدگی می‌شد. اگر حکم به ضرر پادشاه صادر می‌شد، باید جبران کرد. (کریستن سن، ۱۳۷۸: ۲۱۸-۲۱۷).

پادشاهان ساسانی تا پایان قرن سوم میلادی از قدرت زیادی برخوردار بودند. در قرن چهارم، تا هنگامی که شاپور دوم به سن رشد رسید، قدرت در دست اشراف و روحانیون بود. در قرن هفتم میلادی اعتبار و قدرت شاه تنزل یافت؛ به طوری که پادشاه صرفاً بازیچه دست اشراف بود. این پدیده در انحطاط و سقوط خاندان ساسانی سهم بزرگی داشت (بویل، ۱۳۳۸: ۲۳۶).

۲. **موبدان:** با عنایت به اینکه در آیین زرتشت وحدت دیانت و قضاوت وجود داشت، داوری را روحانیون انجام می‌دادند و قوه دادرسی و نظام قضایی به معنای اخص متعلق به این طبقه بود که اصولاً در امور دولتی و حقوقی نقش مهمی را ایفا می‌کردند (دیاکونوف، ۱۳۴۶: ۴۲۳).

روحانیون اختلافات افراد را حل و فصل می‌کردند و به دعوی رسیدگی می‌کردند. همچنین، هیچ امری قانونی قلمداد نمی‌شد؛ مگر اینکه به تأیید و گواهی یکی از روحانیون می‌رسید. ثبت وقایع چهارگانه، یعنی تولد، فوت، ازدواج و طلاق، توسط این قشر انجام می‌شد. در عهد ساسانی چیزی که بیش از همه دستخوش تصرف، جرح و تعدیل روحانیون می‌شد، حق شخصی افراد بود؛ به طوری که هر چه را آنان می‌گفتند و دستور می‌دادند، مردم پیروی

می کردند (محمودآبادی، ۱۳۷۸: ۲۵۵).

دادگاه هر ناحیه را یک نفر قاضی اداره می کرد. رئیس کل قضات (دادور دادوران) نام داشت و دادگاه‌های تمام نواحی زیر نظر او بود (کریستن سن، ۱۳۷۸: ۲۱۶).

۳. اندرزگر: هنگامی که قاضی دادگاه به مسئله یا موضوع دشواری برمی خورد که نمی توانست در مورد آن حکم صادر کند، با بهره گیری از دانش اندرزگر، شخصی که از نظر دانش و آگاهی سرآمد روحانیون قاضی بود، ابهامات و دشواری‌های آن را برطرف می کرد.

۴. گواهان: قضاتی که بر احکام صادر شده نظارت می کردند. آنان بر چگونگی قضاوت و شیوه دادرسی نظارت کامل داشتند.

۵. یارمندان: مأمور جلب متهمانی بودند که پس از فراخوانی، در دادگاه حاضر نمی شدند. اینان نگهبانان نظم جلسه‌های دادرسی در دادگاه بودند.

۶. مسئول انتظامات: کشف جرم،

## دادگاه‌ها

در زمان ساسانیان دو نوع دادگاه وجود داشت: دادگاه اختصاصی (شرع) و دادگاه عمومی (عرف). دادگاه اختصاصی خود دو نوع بود:

**الف) دادگاه دینی:** این دادگاه صلاحیت رسیدگی به کلیه جرائم علیه دین را بر عهده داشت. در واقع، رسیدگی به تمام جرم‌های شرعی در صلاحیت دادگاه دینی بود. علاوه بر این، رسیدگی به کلیه اختلافاتی که صرفاً مدنی بود و هیچ‌گونه کیفری نداشت و همین‌طور دعاوی مربوط به اموال آتشکده‌ها، ازدواج، طلاق، فرزندخواندگی، جهیزیه زن و مسائل مربوط به ارث و وصیت بر عهده این دادگاه بود. (شهزادی، ۱۳۶۵: ۵۶).

اداره دادگاه‌های دینی را در شهرها «هیربدان» بر عهده داشتند و ریاست کل آن‌ها با موبدان موبد بود (احمدی، ۱۳۴۶: ۱۰۷).

**ب) دادگاه نظامی:** کار این دادگاه

داشت که به دعاوی عموم مردم آن شهر رسیدگی و در مورد پرونده متهمان حکم صادر می کرد.

**ب) دادگاه شهرستان (مرکز):** این نوع دادگاه در شهرهای بزرگ یا در مرکز ولایت فعالیت داشت و علاوه بر رسیدگی به دعاوی و جرائم همان محل، بر دادگاه‌های بخش هم نظارت و احکام صادر شده از سوی آن‌ها را بررسی می کرد. اگر پرونده‌ای در دادگاه بخش به نتیجه نمی رسید، در این دادگاه داور می شد (احمدی، ۱۳۴۶: ۱۱۲).

## جنایات و مجازات

سه نوع جرم و جنایت در جامعه عهد ساسانی شناخته شده بود:

اگر کسی از دین زرتشت و آموزه‌های آن روی برمی گرداند و مرتد می شد، مجرم بود. اهمیت این نوع جرم از لحاظ مجازات بیش از سایر جرم‌ها بود؛ زیرا کیفر این جرم را روحانیون تعیین می کردند.

ولی با روی کار آمدن انوشیروان، مجازات این‌گونه جرم‌ها تعدیل یافت و فرد مرتد را قبل از اینکه به هلاکت برسانند، یک سال تمام در زندان نگه می داشتند و در طی این مدت از او استفسار می کردند. اگر از کرده خویش پشیمان می شد، رهایش می کردند (نفیسی، ۱۳۸۳: ۵۱).

بی احترامی نسبت به شاه، شورش علیه حکومت و فرار سپاهیان نظامی به هنگام جنگ، ارتکاب این جرم مجازات‌های سختی را به دنبال داشت. مجرمان را به دار می آویختند و پوست بدنشان را می کندند، یا آنان را به پایتخت می آوردند و گوش‌ها و بینی‌شان را می بریدند و به مردم نشان می دادند. سپس آنان را به ولایت محل ارتکاب جرم می بردند و می کشتند. همچنین، پیکر بعضی از مجرمان را لگدکوب پای فیلان می کردند و فقط بعضی از افراد را برای مقاصد پزشکی و

رسیدگی به امور حقوقی و جزائی لشکریان بود. دادگاه نظامی قاضی ویژه‌ای به نام «سپه‌داور» داشت که به دعاوی مربوط به لشکریان و تخلفات آنان رسیدگی می کرد. همچنین، دادگاه عمومی خود دو نوع بودند:

**الف) دادگاه بخش (شهر):** در هر شهر کوچک یک دادگاه عمومی وجود

دستگیری مجرم و شناخت هویت بزهکاران بر عهده مسئول انتظامات بود. هنگامی که شکایت نزد قاضی می آمد، قاضی دقیقاً به کیفیت دستگیری متهم و زمان ارتکاب جرم رسیدگی می کرد و اگر اختلافی در این زمینه مشاهده می شد، علت آن را از مسئول انتظامات می پرسید.





۶. قدیانی، عباس؛ تاریخ فرهنگ و تمدن ساسانی. تهران. انتشارات فرهنگ مکتوب. ۱۳۸۴.

۷. قدیانی، عباس؛ فرهنگ جامع تاریخ ایران. تهران. آرون. ۱۳۸۱.

۸. کریستن سن. آرتور؛ ایران در زمان ساسانیان. ترجمه رشید یاسمی. صدای معاصر. ۱۳۷۸.

۹. کرمی، محمداقرا؛ نظام کیفری ایران باستان. تهران، انتشارات خط سوم. ۱۳۸۰.

۱۰. گیرشمن، رومن؛ ایران از آغاز تا اسلام. ترجمه محمدمعین. انتشارات علمی و فرهنگی. ۱۳۶۸.

۱۱. ماسه، هانری؛ ایران ساسانی (مجموعه ایران شناسی). ترجمه عیسی بهنام. تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب. ۱۳۴۶.

۱۲. محمودآبادی، اصغر؛ تاریخ فرهنگ و سیاست در ایران باستان. تهران، نشر آبتین. ۱۳۷۸.

۱۳. نفیسی، سعید؛ تاریخ تمدن ایران ساسانی. تهران، انتشارات اساطیر. تهران. ۱۳۸۳.

14. <http://www.aftab.ir>

15. <http://www.daneshju.ir>

16. [www.hawzah.net](http://www.hawzah.net)

17. [www.iran-far.com](http://www.iran-far.com)

18. <http://sh2brlaw.mihanblog.com>

معروف به «نه مرگ» بود که جلاد به ترتیب انگشتان دست، بعد پا، بعد دست راست را تا مچ و دست چپ را تا مچ و... را قطع می‌کرد. (کرمی، ۱۳۸۰: ۱۰۲-۱۰۱).

#### منابع

۱. احمدی، اشرف؛ قانون دادگستری در شاهنشاهی ایران باستان. تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و هنر. ۱۳۴۶.

۲. پویل، جی. آ؛ تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانی. ترجمه حسن انوشه، تهران. انتشارات امیرکبیر. ۱۳۶۸.

۳. دیاکونوف، م.؛ تاریخ ایران باستان. ترجمه روحی ارباب. تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب. ۱۳۴۶.

۴. سرفراز، علی اکبر و دیگران؛ باستان‌شناسی و هنر دوران تاریخی. تهران. انتشارات مارلیک. ۱۳۸۷.

۵. شهزادی، مویدرستم؛ قانون مدنی زرتشتیان در زمان ساسانیان. تهران. انجمن زرتشتیان. ۱۳۶۵.

طبی زنده نگه می‌داشتند (کریستن سن، ۱۳۷۸: ۲۲۲).

یکی هم جنایت نسبت به اشخاص بود؛ یعنی تجاوز به جان، اموال و ناموس دیگران. مجازات این نوع جرم جریمه نقدی یا قطع عضو بود (قدیانی، ۱۳۸۴: ۱۵۵).

همچنین، مرگ تدریجی مجازات این جرم بود. بدین صورت که فرد محکوم را در بیابان بدون آب و غذا رها می‌کردند تا هلاک شود (کرمی، ۱۳۸۰: ۱۰۱).

یکی دیگر از مجازات‌های بسیار رایج آن زمان که درباره شاهزادگان سرکش اجرا می‌شد، کور کردن بود. (کریستن سن، ۱۳۷۸: ۲۲۲).

از جمله وسایلی که برای شکنجه بسیار به کار می‌رفت، شانه آهنین بود که گوشت تن محکوم را با آن می‌کنند. وحشتناک‌ترین شکنجه‌ها شکنجه‌ای